

پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان  
سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم  
شماره سوم (پیاپی ۱۹)، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱۶-۱

## تاریخ سیاسی و خدمات فقهی آل‌رئی در یمن

فاطمه جان‌احمدی\*

### چکیده

در میان دولت‌های شیعی جهان اسلام، دولت آل‌رئی زیدی یمن به‌علت قدمت و دیرپایی، ۲۸۴ تا ۱۳۸۲ق/ ۸۹۷ تا ۱۹۶۲م، از شهرت بسزایی برخوردار است. وجود آثار علمی بسیار و مزارات درخور احترام حکایت از مقبولیت دیرینه آنان در این سرزمین دارد. آنچه بر نام‌آوری ماندگاری این خاندان افزوده است، خدمات علمی راهبران سیاسی و دولتمردان فرهنگی زیدیه، در دوره نخست حکمرانی‌شان بر یمن از سال ۲۸۴ تا ۴۵۵ق/ ۸۹۷ تا ۱۰۶۲م است. این دوره زمانی که از آغاز حکمرانی ائمه زیدیه رئی تا برآمدن صلیحیان اسماعیلی را شامل می‌شود، مشحون از تکاپوهای علمی ائمه رئی است که به توسعه و پایداری مذهب زیدیه و تحکیم هویت فقهی این مذهب در یمن منجر شده است. آنچه مقرر است در این پژوهش بدان پرداخته شود، بازخوانی خدمات علمی علویان رئی در یمن و ارائه تصویری روشن از فعالیت علمی سادات زیدی، در زمینه تولید علم فقه و کشف رابطه میان این خدمات علمی، با دیرپایی دولت و مذهبشان است. دستامد تحقیق در این نوشتار با ترکیب روش توصیفی تحلیلی اطلاعات، داده‌های مبتنی بر منابع تاریخی، یافتن ربط منطقی میان گزاره‌های تاریخی، پاسخ سوالات و آزمون فرضیات محقق شد.

### واژه‌های کلیدی

آل‌رئی، یمن، زیدیه، خدمات علمی، خدمات فرهنگی.

---

\* دانشیار تاریخ، دانشگاه الزهرا. f\_janahmadi@alzahra.ac.ir

مقدمه

مذهبی در شاخه فقه و کلام اسلامی به توسعه پایدار مذهب زیدیه در یمن منجر شده است. روش مطالعه سوال و آزمون فرضیات، روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای است. علی‌رغم اندک بودن آثار تاریخی درباره خدمات علمی زیدیان استنتاج تاریخی از وضعیت علمی آنان چندان دشوار نمی‌نماید.

### کیستی آل‌رسی

در زمره نام‌آوران مکتب شیعه یمن، خاندان رسی که در شمار ائمه زیدی قرار دارند، به علت امتیازات علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند (السمعانی، ۱۹۶۲: ۱۲۵/۶؛ قلقشندی، بی‌تا: ۴۵/۵). خاستگاه جغرافیایی این خاندان در منطقه کوهستانی شمال یمن در صعدۀ گزارش شده است (الحموی، ۱۹۹۵: ۴۰۶/۳؛ الحمیری، ۱۹۸۴: ۲۷۲؛ البکری‌الاندلسی، ۱۴۰۳: ۱۲/۶۵۲). هرچند برخی نیز موطن اصلی آنان را رس، منطقه‌ای در حجاز، می‌دانند (ابن فضل‌الله العمری، ۱۴۲۳: ۳۷/۲۴؛ ابن یونس‌المصری، ۱۴۲۱: ۱۹/۲). بر سر چرایی شهرت آنان به الرسی، نزد محققان اتفاق رای وجود ندارد. برخی منشا این نام را جغرافیایی دانسته و اطلاق آن را برگرفته از خاستگاه اصلی آنان در منطقه الرس، ناحیه‌ای کوهستانی در حجاز (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۵۲؛ ابن عثمان، ۱۴۱۵: ۲۴۹/۱؛ المقریزی، ۱۴۱۹: ۶۴) یا منطقه جغرافیایی در صعدۀ، صهید، یمن می‌دانند (الحموی، ۱۹۹۵: ۳/۴۰۶). عده‌ای دیگر معتقدند این نام متأخر است و محققان به سبب سهولت بازشناسی زیدیان یمن از سایر زیدیان آنان را بدین نام شهره کرده‌اند (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۹۹). به هر تقدیر، موافق با رأی مورخان، باید وجه تسمیه جغرافیایی منتسب به حجاز را صحیح دانست که مسقط‌الرأس جد اعلای رسیان و نیز موطن

جنبش زیدی در یمن بنابر مقتضیات سیاسی و جغرافیایی منطقه پاگرفت و به سرعت همه‌گیر شد. این جنبش برگرفته از کنش‌گران شیعی آل‌رسی و ارائه خدمات علمی نام‌آور شد. حضور ۵۹ امام زیدیه با تحولات پرشماری در تاریخ یمن توأم است. دعوی امامت قاسم‌الحسنی رسی در در فتح‌ناپذیر صعدۀ، سر مطلع دور نخست امامت زیدیان در یمن بود که پس از طی دوره ضعف و درگیری با رقیبان مذهبی، بار دیگر دولت قدرتمند زیدیان جان گرفت؛ سپس به‌تأویب دولتشان تا سال ۱۳۸۲ق/ ۱۹۶۲م، به طول انجامید. این خاندان در تاریخ یمن با مجموعه‌ای از آثار علمی و خدمات فرهنگی شناسا هستند. مطالعات موجود درباره تاریخ زیدیان یمن، اطلاعات اندکی از خدمات علمی و تکاپوهای فرهنگی آل‌رسی ارائه می‌دهند؛ اما محتوای برخی منابع تاریخی که با ذکر مطول آثار علمی این خاندان توأم است یا وجود مزارات درخور اعتنا و مهم از نقش فرهنگی این خاندان پرده برمی‌دارند. پرتکاپویی عالمان رسی در عرصه تولید آثار فقهی و کلامی، به‌ویژه در بازه زمانی ۲۸۴ تا ۴۵۵ق/ ۸۹۷ تا ۱۰۶۲م که از آغاز حکمرانی ائمه زیدیه رسی تا برآمدن صلیحیان اسماعیلی را شامل می‌شود، نشان می‌دهد که آنان از تعاملات مذهبی هدفداری برخوردار بوده‌اند. این فعالیت‌های علمی در عرصه‌های مختلف می‌تواند ربط معنادار و مستحکمی با پایایی معنوی ایشان داشته باشد. مطالعات مقدماتی درباره رسیان یمن مجموعه‌ای از سوالات را به ذهن متبادر کرد. این پژوهش تنها برای یافتن پاسخ برخی از این سوالات سامان یافته است؛ مانند: خدمات و تلاش‌های علمی ائمه رسی، چه تاثیری بر دولت سیاسی آنان در یمن داشته است؟ فرضیه مطرح آنکه تمرکز علمی خاندان رسی برگرفته از آموزه‌های

حضور پویا، عمده منابع وی را نخستین امام زیدی حکومتگر یمن دانسته‌اند. پس از او شماری از ائمه زیدی رُسی طی چهار دوره از سال ۲۸۴ق/۸۹۷م تا ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، به مدت یازده قرن، به‌عنوان حاکمان ایدئولوژیک در یمن زیستند. دوره نخست از سال ۲۸۴ق/۸۹۷م تا سال ۴۴۴ق/۱۰۵۲م، یعنی عصر تشکیل حکومت تا سقوط دولت زیدی توسط اسماعیلیان را شامل می‌شود. دوره دوم از ۴۴۴ق/۱۰۵۲م تا ۵۳۲ق/۱۱۳۸م، است که دوره فترت سیاسی زیدیه است و دوره سوم عصر احیاء سیاسی زیدیه است که از سال ۵۳۲ق/۱۱۳۸م تا ۹۶۵ق/۱۵۵۸م را دربرمی‌گیرد. آخرین دوره هم، عصر مبارزه زیدیان با دولت عثمانی است که به ظهور جمهوری در یمن انجامید و از سال ۹۶۵ق/۱۵۵۸م تا ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م است. در این عصر یمن با کودتای نظامی و گسترش تفکرات ناسیونالیسم عربی و تجددطلبی و جمهوری‌خواهی مواجه و سرانجام حکومت امامان زیدیه از یمن برچیده شد. از آنجا که عمده تکاپوهای علمی ائمه رُسی در دوره نخست دولت زیدیان بوده است، حوزه مطالعه این مقاله نیز به این دوره، یعنی ۲۸۴ تا ۴۵۵ق/۸۹۷ تا ۱۰۶۲م، تخصیص یافته است.

### تکاپوهای سیاسی آل‌رئسی در صعده

بنابر ملاحظات سیاسی از چهار دوره فوق‌الشاره دولت زیدیان در یمن که به‌صورت تقریباً مستمر از قرن سوم هجری قمری تا دوره معاصر، در یمن حکمفرما بوده‌اند، دو دوره نخست آن یعنی از سال ۲۸۴ق/۸۹۷م تا ۵۳۲ق/۱۱۳۸م، از مهم‌ترین ادوار تاریخ سیاسی ائمه زید به‌شمار می‌آید. در این سه دوره، علاوه بر تحکیم مبانی سیاسی دولت، فرهنگ و تمدن شیعی زیدی نیز در یمن تعمیق و توسعه یافت.

فرزندان و نوادگان ایشان بوده است. از لحاظ نسبی، جد اعلائی رُسیان یمن به ترجمان‌الدین قاسم‌بن‌ابراهیم طباطبا الحسنى، معروف به قاسم الرُسی، متوفی ۲۴۶ق/۸۶۰م<sup>۱</sup> و از نوادگان امام حسن (ع)، سبط علی‌بن‌ابیطالب (ع) می‌رسد (قلقشندی، بی‌تا: ۴۵/۵ و ۳۵۸/۷؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۵۲). تولد وی در مدینه گزارش شده است (ابن‌حزم‌الاندلسی، ۱۹۹۸: ۴۳؛ المقریزی، ۱۴۱۹: ۶۴). پس از او فرزندش حسین‌بن‌قاسم الرُسی‌بن‌ابراهیم طباطبا، در مدینه دعوی امامت کرد (المحلی، ۲۰۰۲: ۱/۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۵۲؛ ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۱۵۷/۳). تمام امامان زیدی صعده، در بلاد یمن از اولادان و اعقاب حسین‌بن‌قاسم الرُسی‌بن‌ابراهیم (طباطبا) بن‌اسماعیل (الذبیاج) بن‌ابراهیم‌بن‌الحسن (المثنی) بن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌ابیطالب هستند (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۴۷/۲). فرزند بزرگش یحیی‌بن‌حسین، ملقب به الهادی الی‌الحق الرُسی (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۵/۲) نخستین امام زیدی صعده (القلقشندی، بی‌تا: ۴۵/۵ و ۳۵۷/۷) و معروف‌ترین آن‌هاست (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۵/۲؛ ابن‌خلدون، ۱۹۸۸: ۱۴/۴). مادرش فاطمه نیز از نوادگان امام حسن (ع) است (ابن‌فند، ۱۹۸۸: ۵۵۵/۲). وی در سال ۲۴۵ق/۸۶۰م، درمدینه متولد شد (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۵/۲). جدش امام قاسم رُسی نام یحیی را برایش گزید و درحالی‌که می‌گریست گفت: «به خدا قسم او همان یحیی صاحب یمن است» (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۵/۲). اطلاعات چندانی از دوره جوانی او در دست نیست؛ اما بیشتر منابع زیدی ضمن تاکید حضور او در یمن، اشارات مفصلی به فضائل و مناقب او کرده‌اند (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۵/۲ تا ۲۸). سفر وی در سال ۲۸۰ق/۸۹۳م، (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۳۶؛ ابن‌محمد، بی‌تا: ۷) به منطقه رُس، سرمطلع بسیاری از تحولات سیاسی در این منطقه شد. به‌علت همین

و اقل سازوبرگ به منطقه حجاز مهاجرت کرد (الحسنی، ۱۴۲۲: ۵۷۶). سفر و ترک بلد الهادی به حجاز، برای یمنیان نامیمون بود؛ زیرا این خروج نابهنگام، با قحطی و خشکسالی و بروز آفات کشاورزی در مزارع یمن مصادف شد که نابودی باغات و محصولات زراعی و ویرانی مزارع بزرگ را همراه آورد (ابن محمد، بی تا: ۸). با افزایش تلفات دام و احشام و به تبع آن درگرفتن آشوب‌های اجتماعی و افزایش مرگ‌ومیر انسانی و ویرانی روستاها اوضاع یمن به هم ریخت (الزبیدی، ۱۴۰۹: ۱۲۹) و اهالی یمن در سال ۲۸۳ق/۸۹۷م، ریشه و مسبب مشکلات خود و نامایمات طبیعی را در رنجاندن فردی از اهل بیت دانستند. این پشیمانی به درستی در فحوای مراسلات و نامه‌هایی عذرخواهانه، برای الهادی الی الحق منعکس است. دادن وعده‌های یاری و سرپیچی نکردن از فرامین الهادی، بیشترین بار محتوایی این مکاتبات است (الحسنی، ۱۴۲۲: ۵۷۶ و ۵۷۷). عامه و راهبران فکری جامعه که خواستشان بازگشت امام زیدی بود نهایت تلاش خود را برای حل مشکلات اجتماعی به کار بستند. مقصد این مکاتبات پدر الهادی، حسین بن قاسم، بود که می‌توان او را واسطه و میانجی میان یمنی‌ها و الهادی دانست. به نظر می‌رسد الهادی تنها با این وعده‌های یمنیان فریفته نشد، بلکه ضعف بیشینه عباسیان نیز می‌توانست بر انگیزه‌های او افزوده و او را برای سفر مجدد به صعده تحریض کرده باشد. مجموع این عوامل و اعزام نمایندگان یمنی برای دلجویی از الهادی (الاعلام، ۱۹۸۹: ۱۴۱/۸) سرانجام به بازگشت وی به یمن منجر شد و بار دیگر، در سال ۲۸۴ق/۸۹۸م، به اتفاق فرزندان و گروهی از اقوام و بستگان و نزدیکانش به رَسّ بازگشت و فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی خود را از سرگرفت (زبارة، بی تا: ۱۰). فقر و ناامنی و گرانی در پی خشکسالی، به

به‌طور کلی، نخستین امام زیدی در یمن «الهادی الی الحق» است که شهر صعده را مرکز حکومت خویش قرار داد. آخرین حاکمان رَسّی از امامان سادات حسنی طباطبایی خانواده حمیدالدین بودند که بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی بر یمن حکومت کردند. حضور فعال رَسّیان در یمن، با سفر الهادی در سال ۲۸۰ق/۸۹۳م (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۳۶؛ ابن محمد، بی تا: ۷) به منطقه رَسّ آغاز شد. این سفر تاریخی سرمطلع بسیاری از تحولات سیاسی در این منطقه شد. حضور و تجمع گروه درخور توجهی از مشایخ و بزرگان یمنی در رَسّ و بیعت آنان با الهادی الی الحق، به تقویت خیزش جنبش زیدیه منجر شد. شعارهای الهادی و قول‌های مساعد او موجب شد تا تب‌وتاب گرایش به زیدیان در یمن فزونی یابد (نویری، ۱۴۲۳: ۹۶/۳۳)؛ اما این تب تند به سرعت فروکش کرد و تنها ماندن الهادی در امر قیام او را ناگزیر کرد به حجاز، خاستگاه اجدادش، بازگردد (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۳۶). بسیاری از منابع علل خروج و عزیمت الهادی به حجاز را واکاوی کرده و زمینه‌ها و بایستگی‌های آن را شرح داده و علل این مهاجرت را سنجیده‌اند (عباس‌العلوی، ۱۹۸۱، ۱۱۰؛ الهادی الی الحق، ۱۶/۲؛ الحسنی، ۱۴۲۲: ۵۷۹). برخی ناظر به تبحر وی در فقه و سرآمدی او در علوم دینی، بر این باورند که دستورات شرعی سخت‌گیرانه و فتاوی فقهی صادره او عامل مخالفت یمنیان با وی بوده است (ابن محمد، بی تا: ۷). برخی نیز ناظر به علل بیرونی سخت‌گیری‌های علی بن حسین، ملقب به جفتم، کارگزار عباسیان در صنعا را عامل مراجعت مجدد وی به حجاز دانسته‌اند (الدیع، ۱۹۸۸: ۱۲۱؛ نویری، ۱۴۲۳: ۹۷/۳۳)؛ اما ریشه این مهاجرت هرچه باشد، بیشتر گزارش‌ها بر این دلالت دارد که الهادی الی الحق به هنگام خروج از صعده با کمترین نفرات

با سيطرة بر صنعا کماکان فزونی یافت. در محرم سال ۲۸۸ق/۹۰۲م عبدالله بن بشر بن طریف، ملقب به ابوالعتاهیه، از سوی آل‌یعفر بر صنعا حکم می‌راند (الیمانی، ۱۹۸۸: ۴۷). طبق شواهد موجود، الهادی نفوذ بسیاری بر ابوالعتاهیه داشت (المطاع، ۱۹۸۶: ۹۳). این گزارش‌ها، حاکی از آن است که وی در نامه‌هایی الهادی را به صنعا دعوت کرده و پس از فتح نیز با پول و سلاح و سپاه وی را یاری رسانده بود (ابن محمد، بی‌تا: ۱۸؛ زبارة، بی‌تا: ۲۰ و ۲۱). الهادی پس از فتح صنعا و اخذ بیعت از ابوالعتاهیه، در همان سال، ۲۸۸ق/۹۰۲م، همراه با وی عازم شام کوبان از شهرهای مهم جنوب صنعا شد تا بقایای آل‌یعفر را که در آنجا مستقر بودند، برافکند (زبارة، بی‌تا: ۲۱). نتیجه درگیری‌های نظامی و جنگ‌های طاقت‌فرسای الهادی در صنعا و اطراف آن، از دست‌دادن قوای وفادارش بود. مانع بزرگ توسعه‌طلبی‌های الهادی، پیشروی‌های کارگزاران و دست‌نشانندگان خلفای عباسی بود. در تمام این دوره، علاوه بر صعده، سراسر صنعا و مضافات آن تحت حکمرانی دولتمردان زیدی بود؛ اما در سال ۲۹۱ق/۹۰۵م، با اوج‌گیری دعوت اسماعیلیه در یمن و گسترش آن به نواحی مختلف این سرزمین، بر مشکلات الهادی الی الحق افزوده شد و از این‌پس، رقابت مذهبی میان زیدیه و اسماعیلیه فزونی یافت. با ظهور قرامطه در صنعا (ابن محمد، بی‌تا: ۱۰؛ نویری، ۱۴۲۳: ۹۸/۳۳) و تحرکات فرهنگی و سیاسی داعیان اسماعیلی به نمایندگی علی بن فضل و ابن حوشب‌الکوفی، معروف به المنصور الیمن، موانع بسیار جدی برای زیدیان ایجاد شد. در سال ۲۹۲ق/۹۰۶م، با پیروزی موقت اسماعیلیه و توفیق علی بن فضل، در سيطرة بر مذیخره و پیوستن تعداد پرشماری از یمنیان به دعوت اسماعیلیه و کشیده‌شدن دامنه تحرکات سیاسی علی بن فضل به صنعا (زبارة،

منازعات قبیله‌ای دامن زد و وضع ناگواری در صعده مستولی شد (ابن محمد، بی‌تا: ۷). حضور مقتدرانه امام یحیی در یمن، در چگونگی ارسال نامه‌ها و محتوای دعوت‌نامه‌های وی به سران قبایل به‌درستی مشهود است (زبارة، بی‌تا: ۱۱ و ۱۲). تلاش‌های او برای رفع مشکلات معیشتی مردم، به‌زودی به اعتمادسازی و جلب توجه عامه انجامید. بیعت اهل صعده با یحیی بن حسین الهادی الی الحق که اکنون امام مسلّم زیدیان شده بود، فصلی جدید در تاریخ سیاسی و مذهبی اهل یمن گشود. ارمغان حضور فعال او صلح و امنیت اجتماعی و در نهایت، پایان جنگ‌های طولانی قبیله‌ای در این منطقه بود. کاری که به نظر هرگز آل‌یعفر، دولت مقتدر صنعا و معاصر با زیدیان، موفق به انجام آن نشده بود (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۴۲). ملاقات‌های عمومی او با قبایل اطراف و اکناف صعده و نیز توجه او به مشکلات اقتصادی قحطی‌زدگان یمنی و بخشش‌های زکات و صدقات بر منزلت او افزود (ابن محمد، بی‌تا: ۱۰). حضور فعال قبایل یمنی، در جهادهای او در بحرین و نجران و هجر مؤید پذیرش اقتدار معنوی اوست. نامه‌های وی به کارگزارانش در تمام مناطق تحت‌نفوذ زیدیان، حکایت از نگاه و رویکرد تعلیمی، به‌ویژه بینش اجتهادی او دارد (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۴۳ تا ۴۷). آموزه‌های شیعی وی، با تبعیت از اصول فکری شیعه از جمله رموز موفقیت سیاسی و دینی اوست. وی با تأثیرپذیری از قاسم رسّی و همچنین با بضاعت علمی فقهی و اجتهادی خود، دست به تألیف کتب مختلفی زد (المحلی، ۲۰۰: ۲۹/۲) تا ضمن تبیین دوباره دیدگاه‌های جد اعلای خود، بیانگر تمام‌نمای آراء تفکرات زیدیه و مبانی نظری آن‌ها باشد. تلاش‌های امام یحیی برای گسترش نفوذ مذهب زیدیه، به تسری حاکمیت وی بر سایر نواحی یمن انجامید و این نفوذ،

جسدش در ضلع غربی مسجد جامع صعده به خاک سپرده شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ۴/۲۱۶؛ ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۲/۶۱۰) و از آن‌پس، مزار وی محل زیارت و عبادت مریدانش شد (المحلی، ۲۰۰۲: ۲/۲۷). مطابق وصیت الهادی فرزند ارشدش، ابوالقاسم محمد مُکنی به مرتضی‌الدین‌الله یا الراضی و ملقب به جبرئیل اهل زمین (زیاره، بی‌تا: ۵۲؛ الحسنی، ۱۴۲۲: ۵۹۰) که به علم و دانش شهره بود، به امامت برگزیده شد و مردم با او بیعت کردند (عباسی‌العلوی، ۱۹۸۱: ۳۹۷)؛ اما پس از شش ماه، مشکلات درون‌خانندانی و هیاهوهای سیاسی (القلقشندی، بی‌تا: ۶/۵۶) به انصراف محمدالمرتضی از امامت و انتقال قدرت به برادرش احمد انجامید (زیاره، بی‌تا: ۵۲ و ۵۳). انتقال آرام قدرت و اعتزال سیاسی نرم، به‌همراه سکوت منابع متأثر از چرخش قدرت درون‌خانندانی بوده است. چرخش و انتقال قدرتی که به‌علت سکوت سیاسی می‌بایست حتماً با تمایل شخصی محمد صورت گرفته باشد و وی بدون کمترین مقاومت و درگیری از مقام خویش کناره‌گرفته باشد (الیمانی، ۱۴۰۸: ۵۸). علی‌رغم این اعتزال سیاسی، هرگز تکاپوهای علمی او متوقف نشد؛ بلکه وی سالیانی دراز به کار نگارش و تالیف مشغول بود. این ادعا به‌درستی با فهرست نام آثارش اثبات‌شدنی است. سرانجام وی در محرم سال ۳۱۰ق/۹۲۲م، در سی‌ودوسالگی و در شهر صعده دارفانی را وداع گفت و در کنار قبر پدرش مدفون شد (زیاره، بی‌تا: ۵۹). یکی از فرزندانش به نام یحیی‌القائم در دیلم دعوی امامت کرد و برادرش الناصرالدین‌الله ابوالحسن احمدبن‌یحیی‌بن‌حسین، ملقب به ناصر، احتمالاً متوفی ۳۲۲ق/۹۳۴م یا قریب به صحت ۳۲۵ق/۹۳۵م، نیز در یمن به‌عنوان سومین امام رسمی وارث اریکه قدرت امامان زیدیه در صعده شد. وی در سال ۳۰۱ق/۹۱۴م، بر تخت خلافت

بی‌تا: ۳۸ و ۳۹) عرصه نفوذ زیدیان به‌شدت کاهش یافت. در سال ۲۹۳ق/۹۰۷م، تحرکات فرهنگی و نظامی اسماعیلیه، صنعا را به تصرف داعیان فاطمی درآورد (زیاره، بی‌تا: ۳۹). از این‌پس، نزاع و درگیری‌های میان زیدیان و اسماعیلیان فزونی گرفت. تهامه و زبید و شبام کوبان از حوزه فکری زیدیه خارج شد (زیاره، بی‌تا: ۴۰). در سال ۲۸۲ تا ۲۸۴ق/۸۹۵ تا ۸۹۷م، به‌دنبال دعوت اهالی صنعا از الهادی وی سپاهیان را از صعده به فرماندهی علی‌بن‌ابی‌یعفر، محمدبن‌عبیدالله علوی، دعام‌بن‌ابراهیم و فرزندش محمدالمرتضی، برای بازپس‌گیری صنعا از اسماعیلیان گسیل کرد و مجدداً صنعا به تصرف زیدیان صعده درآمد (نویری، ۱۴۲۳: ۳۳/۹۵). اگرچه این حضور دیرنگامی نیانجامید و مجدداً صنعا از دست زیدیان خارج و تحت سلطه اسماعیلیان درآمد. این تقابل قدرت، به صنعا منحصر نبود؛ بلکه دامنه تحرکات اسماعیلیان به نجران هم کشیده شد و الهادی فرزند خود، احمدالناصر را برای آرام‌کردن و تسلط بر امور به نجران اعزام کرد؛ اما تحرکات سیاسی اسماعیلیان موجب شد تا بنوحارث، از معاهدان زیدیان، در سال ۲۹۶ق/۹۰۷م ابوجعفر محمدبن‌عبیدالله‌العلوی، عامل الهادی در نجران، را به قتل رساند (زیاره، بی‌تا: ۴۴). مناسبات خصمانه و پر رقابت اسماعیلیان و زیدیان، همچنان در واپسین سال‌های عمر الهادی در فاصله سال‌های ۲۹۷ تا ۲۹۹ق/۹۰۸ تا ۹۱۰م، ادامه یافت و در این مدت، گاه اوضاع به نفع امام زیدی و گاه به نفع دعوات اسماعیلی بود. آخرین نبرد الهادی با داعیان اسماعیلی، نبرد نجران گزارش شده است (زیاره، بی‌تا: ۴۷). اما دیری نپایید که بیماری یحیی را به بستر مرگ اسیر کرد و سرانجام حکمرانی مقتدرانه الهادی الی‌الحق در ذی‌الحجه، یعنی آخرین ماه سال ۲۹۸ق/۹۰۹م، به پایان رسید و در سال ۲۹۹ق/۹۱۰م،

نشست (الیمانی، ۱۴۰۸: ۵۸؛ ابن محمد، بی‌تا: ۵۶). نام وی در زمره سادات علوی است. به نظر می‌رسد دولت زیدیه در عصر او تقویت شده است (المحلی، ۲۰۰۲: ۸۸/۲)؛ اما مقارن تحولات سیاسی در دربار زیدیان یمن، ظهور و تکاپوی داعیان اسماعیلی که برخی منابع از آن‌ها به دعوتگران و مبلغان قرمطی یاد کرده‌اند، اوضاع یمن را آشفته ساخت و وضع دشواری برای زیدیان فراهم شد. این وضعیت دشوار، در اعتزال محمدالمرتضی از خلافت و بیعت او با برادرش الناصر بی‌تاثیر نبود. از این‌رو، از همان ابتدا امامت احمد بن یحیی الهادی با بلوای قرمطیان مواجه بود که از زمان الهادی شروع و دامنه اوج آن به عصر احمد رسیده بود (ابن محمد، بی‌تا: ۵۳؛ زبارة، بی‌تا: ۶۱). او هنگام وفات برادر، در حجاز به‌سرمی‌برد. پس، به‌سرعت برای کسب مقام امامت به صعده عزیمت کرد (زبارة، بی‌تا: ۵۷) و در همان آغازین روزهای حکومت، به جنگ با اسماعیلیان و قرمطیان شتافت و در جنگ‌های متعدد آنان، قدرتمندانه بر مخالفان فائق آمد (زبارة، بی‌تا: ۶۳). در سال ۳۰۳ق/۹۱۶م، با مرگ علی بن فضل قدری اوضاع برای الناصر آرام شد. اسعد بن ابی‌یعفر به مذیخره حمله کرد و ضمن غارت اموال ابن فضل، باقیمانده اسماعیلیان و دختران ابن فضل را به اسارت گرفت و بر آنجا مسلط شد (ابن محمد، بی‌تا: ۶۲ و ۶۳). او برای آرام کردن اوضاع آشفته مناطق تحت نفوذ، رفت‌وآمدهای سیاسی و نظامی‌اش را در سال‌های ۳۰۴ تا ۳۱۰ق/۹۱۷ تا ۹۲۲م، به شهرهای یمن از جمله صعده و مذیخره و حوث کماکان ادامه داد. سال ۳۱۰ق/۹۲۲م، برادرش المرتضی در صعده دارفانی را وادع گفت و در نهایت احترام در جوار پدر دفن شد. سرانجام امام الناصر احمد به سال ۳۲۲ق/۹۳۴م، (ابن محمد، بی‌تا: ۷۰ و ۷۱) و به روایتی ضعیف، در سال ۳۲۵ق/۹۳۷م، در

شهر صعده دیده بر جهان فرو بست (الذبیع، ۱۹۸۸: ۱۵۹؛ العرشی، ۱۹۹۴: ۳۴). آخرین فرزندش یحیی المنصور، به‌عنوان چهارمین امام زیدی از خاندان رئسی یمن بر تخت فرمانروایی زیدیان یمن تکیه زد. امام بعدی، المنصور بالله یحیی بن الناصر الرئسی است. وی در سال ۳۰۳ق/۹۲۴م، در صعده چشم به جهان گشود و پس از پدرش وارث زعامت دینی زیدیان یمن شد؛ اما او نیز گرفتار بحران‌ها و مشکلات درون خاندانی بود. چنان‌که از همان روزهای نخست امامتش، برادرانش قاسم، ملقب به مختار و حسن علیه او شوریدند (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۴) و کار ملکداری یمن، به‌علت ائتلاف‌نداشتن برداران زیدی به‌سختی گرایید. در بحبوحه جنگ قدرت درون خاندانی، در سال ۳۲۹ق/۹۴۱م، حسن بن الناصر احمد وفات یافت و قاسم المختار رقیب دیگر او نیز در جنگ با ضحاک حاشدی الهمدانی اسیر و در ریده‌البون کشته شد (نویری، ۱۴۲۳: ۱۰۳/۳۳). به‌دنبال قتل قاسم مختار، پسرش امام منتصر محمد بن مختار به خونخواهی پدر شتافت و در جنگی پر دامنه در خیوان ضحاک را کشت (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۴؛ زبارة، بی‌تا: ۷۰). اوضاع آشفته زیدیان اسعد بن ابی‌یعفر را تحریک کرد تا به مداخلات خود، در همدان و خولان ادامه دهد (زبارة، بی‌تا: ۶۷). به‌هر صورت، امام منصور بن یحیی کماکان تا سال ۳۶۶ق/۹۷۷م، دوام یافت و سرانجام در محرم همان سال، در صعده چشم از جهان فرو بست. پس از منصور فرزندش یوسف، موسوم به الدعی الی الله بن یحیی (م ۴۰۳ ق) به مقام امامت زیدیه نائل شد. قیام او به امامت، به سال ۳۶۷ق/۹۷۸م، در خیوان بود؛ اما به روایت منابع اعلان امامت وی، در سال ۳۶۸ق/۹۷۹م، در شهر ریده‌البون در شمال صنعا بوده است (زبارة، بی‌تا: ۷۰). در دوره وی نیز کماکان ناآرامی‌های در صنعا و حومه آن وجود داشت.

منابع گزارش‌های متعددی از ارتباط پنهانی و مکاتبات او با داعیان اسماعیلی از جمله حسین بن طاهر حمیری (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۵؛ زباره، بی تا: ۸۳) ارائه داده‌اند. در اواخر سال ۴۰۲ق/۱۰۱۲م مهدی برادر خود، امیر جعفر بن قاسم العیانی، را به امارت صنعا برگزید. جعفر نیز در نخستین اقدام مبادرت به ضرب سکه، به نام مهدی در صنعا کرد (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۵). ناتوانی او در امر ملکداری، زمینه‌های نارضایتی و بحران اجتماعی را در صنعا پدید آورد. دامنه این نارضایتی‌ها، به آشوب و نزاع در صنعا منجر شد. پس اهالی صنعا به امام زیدی، محمد بن قاسم بن الحسین نامه نوشتند و از او طلب کمک کردند. سپاه عظیم امام زیدی، با قوای نظامی امیر جعفر العیانی، به صف‌آرایی مجدد راهبران مذهبی زیدی انجامید. مهدی نیز در واکنش به این عمل، جمعیتی کثیر از قبایل همدان و حمیر را گرد خود فراهم آورد و به قصد مقابله با امیر زیدی و کمک به جعفر، به سوی صنعا حرکت کرد. مطابق گزارش زباره، جنگ مفصلی میان آن دو رخ داد. فاتح این نبرد مهدی و برادرش جعفر بود (زباره، بی تا: ۸۳ و ۸۴). مهدی پس از این فتح، در حالی به سمت ریده‌البون بازگشت که برادرش جعفر را بر امارت صنعا باقی گذاشت (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۹). خبر کشته‌شدن امام زیدی، به فرزندش قاسم بن محمد بن قاسم رسید و او نیز برای جبران شکست، با سپاهی عظیم از اهالی مدحج، به سوی مهدی حرکت کرد. لیکن در میان راه، با سپاه منصور بن ابوالفتوح مواجه شد و سرانجام امام زیدی هزیمت یافت (زباره، بی تا: ۸۴). براین اساس تمامی سال ۴۰۳ و ۴۰۴ق/۱۰۱۳ و ۱۰۱۴م، با کشاکش‌های سیاسی و نظامی میان راهبران فکری و سیاسی زیدیه ادامه یافت. نهایتاً مهدی در پایان همان سال، در سن ۲۸ سالگی، پس از یک دهه حکمرانی در اثر

به‌همین علت، بخشی از توان و زمان امامت او در آرام‌کردن اوضاع گذشت (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۰). در سال ۳۸۹ق/۹۹۹م، با ورود المنصور بالله القاسم بن علی العیانی (۳۱۰ تا ۳۹۳ق/۹۲۲ تا ۱۰۰۳) از صنعا به صعده موقعیت یوسف نزد عامه تضعیف شد (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۰؛ العرشی، ۱۹۹۴: ۳۴ و ۳۵). مدت زمانی به طول انجامید تا اینکه هر دو امام توانستند، در کنار یکدیگر راهبری زیدیه را در صنعا برعهده گیرند (المؤیدی، ۱۹۹۷: ۳/۱۰ و ۴). به‌ویژه در سال ۳۹۲ق/۱۰۰۳م، زمانی که امام داعی یوسف از ریده به صنعا بازگشت و این دو در اتفاقی مذهبی، با هم کنار آمدند و مقرر شد تا خطبه به نام امام داعی یوسف و امارت قاسم بن حسین العیانی خوانده شود. اگرچه این اتحاد تنها، تا سال ۳۹۳ق/۱۰۰۳م، ادامه یافت؛ زیرا در این سال اجل زودتر از امام یوسف، قاسم بن حسین را در ربود (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۳). پس از قاسم فرزندش حسین، معروف به امام‌المهدی‌لدین‌الله، مقام امامت را برعهده گرفت و ادعا کرد، همان مهدی است که پیامبر بشارت او را داده است (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۴). وی یکی از واپسین امامان زیدی از شاخه حسنی رسی بوده، ۴۰۴ق/۱۰۱۴م که در علم و فضیلت برجسته عصر خود بود و همچون پدرش، به العیانی شهرت داشت. وی پس از مرگ پدرش، قاسم، در سال ۳۹۳ق/۱۰۰۳م، در سن ۱۷ سالگی مقام امامت را برعهده گرفت و این درحالی بود که رقیب قدرتمند او یوسف الدعی الی‌الله بن یحیی، ۴۰۳ق/۱۰۱۳م هنوز امامت زیدیه را برعهده داشت. به‌هنگام دعوت المهدی، برخی قبایل حمیر و همدان دعوتش را اجابت کردند (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۴)؛ اما هنوز بر اریکه قدرت سامان نگرفته بود که ادعای برادرش، امام محمد بن قاسم، در سال ۴۰۳ق/۱۰۱۳م، اوضاع را پیچیده کرد و بر آشفتگی‌های سیاسی صنعا افزود.



یمن، یعنی سال ۵۹۳ق/۱۱۹۰م، ادامه یافت. طی این مدت، حکمرانان زیدی به‌صورت حاکمان ضعیف محلی، در مناطقی چون صعده و ریده‌البون باقی ماندند و با عزیمت عده‌ای از صاحب‌نفوذان زیدی یمن به مناطق شمالی ایران، به‌ویژه دیلم دامنه، تکاپوهای دینی ایشان از یمن به ایران کشیده شد. البته هرگز عزیمت امام ابوالفتح ناصر بن حسین بن محمد دیلمی، در شوال سال ۴۳۷ق/۱۰۴۵م، به صنعا و جمع‌کردن هواداران شیعی و تحرکات نظامی او موجبات بازگشت سیطره زیدیه نشد (الیمانی، ۱۹۸۸: ۷۲؛ زباره، بی‌تا: ۹۲)؛ زیرا دعوت صلیحیان در این دوره، به اوج خود رسیده بود و در سال ۴۴۴ق/۱۰۵۲م، در پیکاری گسترده امام زیدی و بسیاری از یارانش کشته شدند. پیشروی‌های دولت صلیحی، مانع جدی بر سر راه دعوت زیدی بود تا جایی که تلاش‌های امام حمزه بن ابی‌هاشم، در سال ۴۵۲ق/۱۰۶۰م، نیز هرگز نتوانست مانع سقوط دولت زیدی در یمن شود. امام حمزه بن ابی‌هاشم نبردهایی با سرداران صلیحی کرد (زباره، بی‌تا: ۹۴) و سرانجام صلیحیان او را در سال ۴۵۹ق/۱۰۶۷م، کشتند و تنها هفت سال فرمانروایی پر اضطراب را پشت سر نهاد. مطابق اسناد تاریخی سادات حمزه یمنی همگی از اعیان و به‌شمار می‌آیند (الدیب، ۱۹۸۸: ۱۷۱). در تمامی این مدت، صرف‌نظر از بلایای طبیعی و جنگ‌های چندسویه با سران قبایل محلی و نیز مدعیان اشراف قاسمی، پراکندگی و مهاجرت آخرین سادات زیدی حسنی موسوم به رئسی در شهرهای عدن، ابین، تعز، ذمار، صنعا، جوف و صعده زمینه ضعف دعوت زیدیه را فراهم کرده بود. گزارش‌های موجود از پراکندگی اعیان زیدیان حسنی رئسی و همچنین خیزش زیدیان حسینی حکایت از این دارد که باقیمانده این سادات و اشراف، در کنار حکومت‌های

درگیری‌های قومی در وادی عَرَاک کشته و در ریده‌البون، در شمال صنعا، دفن شد (المؤیدی، ۱۹۹۷: ۶/۱۰). پس از المهدی دولت زیدیان رئسی دچار فترتی نه چندان طولانی شد. این عصر رکود، به مدت چهارده سال به طول انجامید. در این دوره کوتاه، تنها اطلاعات جسته‌گریخته‌ای از حکمرانی ضعیف جعفر بن قاسم المنصور گزارش شده است. ابوهاشم الحسن بن عبدالرحمن بن یحیی الرئسی الحسنی الحجازی، متوفی ۴۳۳ق/۱۰۴۱م که به‌علت مقام و مکتش به نفس‌الزکیه ثانی (الیمانی، ۱۹۸۸: ۷۰) ملقب بود، بار دیگر قدرت ضعیف‌شده سیاسی زیدیان را تقویت و نام فرمانروایان رئسی را احیا کرد. وی به همراه دو فرزندش، حمزه و علی که ملقب به «معدان‌الدین‌الله» بودند، در سال ۴۱۸ق/۱۰۳۹م، عازم یمن شد (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۶) و این درحالی بود که اعیان زیدیان، قائل به ایجاد ائتلافی مذهبی سیاسی شده بودند. نخستین کسی که با او بیعت کرد، امیر شهر مأرب، عبدالؤمن بن اسعد بن ابی‌الفتوح بود (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۶). او نامه‌هایی به اطراف و اکناف یمن نوشت و اطاعت رهبران قبایل را از ابوهاشم خواستار شد (زباره، بی‌تا: ۸۷)؛ اما مقاومت‌های موجود و مشکلات پیش‌روی ابوهاشم موجب شد تا ناآرامی کماکان بر نواحی تحت‌نفوذ رئسیان مستولی باشد (الیمانی، ۱۹۸۸: ۷۰ و ۷۱). این تکاپوهای سیاسی هم نتوانست به طول بیانجامد؛ زیرا با قدرت‌گیری صلیحیان در سال ۴۳۰ق/۱۰۳۹م و سیطره آن‌ها بر صنعا و یمن، در سال ۴۵۵ق/۱۰۶۲م، (ابن‌جوزی، ۱۴۱۵: ۳۳۰/۱۵؛ ابن‌تغری بردی، ۱۹۹۲: ۵۹/۵) ضعف و انزوای کامل زیدیان رئسی، در صعده آغاز شد (الدیب، ۱۹۸۸: ۱۷۳؛ العرشی، ۱۹۹۴: ۳۶؛ مصطفی، ۱۹۹۳: ۵۱/۱ و ۵۲۰). طبق اسناد موجود، این رکود و انحطاط دست‌کم تا خیزش دوره دوم زیدیان رئسی در

### اقدامات تمدنی و تکاپوهای علمی رسیان در یمن

مؤلفه‌های تمدنی بسیارند و دایره مطالعه این مقاله اندک؛ اما دانسته است که در زمره ارکان تمدنی حاکمیت سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی، خلاقیت‌های هنری و تکاپوهای علمی سهم مهمی را در انداختن مظاهر تمدنی برعهده دارند. رشد علم می‌تواند علاوه بر ایجاد نشاط فرهنگی، به رشد مبانی تمدنی بیانجامد. حضور پرشماری از دانشمندان و دانشوران فرهنگی زیدیه و قدرت‌گیری عالمان فرمانروا در یمن، به رشد فعالیت‌ها و تکاپوهای علمی ناشی از نشاط فرهنگی و رشد مبانی مذهبی شیعه در یمن منجر شد. صرف‌نظر از مکانیت علمی قاسم‌الرّسی، جد اعلاّی زیدیان یمن، فرزندش امام هادی الی الحق یحیی، متولد سال ۲۴۵ق/۸۶۰م در قم، به‌علت شخصیت مذهبی و سیاسی بارز از ممیزات علمی ویژه‌ای برخوردار بود. وجود روایات منتسب به رسول خدا (ص) که مبین جایگاه معنوی اوست، بر وجه کاریزمایی وی افزوده است. چنان‌که به نقل از رسول خدا (ص) درحالی‌که با دست اشاره به سوی یمن کرده است، آورده‌اند: «مردی از فرزندانم به نام یحیی الهادی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، با او حق زنده می‌شود و باطل می‌میرد» (المحلی، ۲۰۰۲: ۲/۲۵). همچنین منسوب به نبی اعظم (ص) است که فرمود: «او همان کسی است که اسلام را در سرزمین یمن نشر می‌دهد بعد از آنکه ظلمات کفر در آنجا متراکم می‌شود و امواج الحاد در آنجا متلاطم می‌گردد» (المحلی، ۲۰۰۲: ۲/۲۵). وجود روایاتی منسوب به امام علی (ع) نیز مبنی بر حقانیت دعوت او و گسترش عدالت در عصر وی (ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۵۶/۲)، تلاش دیگری برای تشریح مکانیت مذهبی و مشروعیت‌بخشی به الهادی است. او برای تقویت بیشتر جایگاه مذهبی خود، با تأکید بر برخی از همین اقوال کوشید تا خود را رهرو رسول خدا (ص) و وصی او علی (ع) قرار دهد (شهری، ۲۰۰۱:

محلی و قبایل حکومتگری چون آل‌زرّیع، آل‌همدان، آل‌دعام، آل‌عیانی، حجوری، سلیمانی وضع دشوار و شبه ملوک‌الطوایفی را در یمن پدید آورد که دست‌کم تا حمله و سیطره دولت ایوبی بر یمن، به سال ۵۶۹ق/۱۱۶۷م، به طول انجامید. در فاصله سال‌های ۵۶۶ تا ۶۴۵ق/۱۱۷۱ تا ۱۲۷۴م، یعنی دوره نفوذ و سیطره سلیمانی‌ها، زیدیان رّسی در صعده و جبل شرقی به‌صورت پراکنده و در حد حکمران منطقه‌ای به‌سر می‌بردند. فهرست امامان محلی زیدی حسنی رّسی نشان می‌دهد که علی‌رغم این ضعف هرگز دولتشان مضمحل نشد. ورود اتابکان ایوبی و دولت بنی‌رسول، ۶۲۶ تا ۶۵۶ق/۱۲۲۹ تا ۱۲۵۸م، (زبارة، بی‌تا: ۱۵۳ و ۱۶۰؛ القلقشندی، بی‌تا: ۲۹/۵) به رقابت‌های سیاسی و نیز قدرت‌گیری آل‌سلیمان، ۵۶۶ تا ۶۴۵ق/۱۱۷۱ تا ۱۲۴۷م، (قلقشندی، بی‌تا: ۴۸/۵ و ۴۹) در این دوره نتوانست امامان زیدی را از عرصه سیاسی و مذهبی خارج کند. بسیاری از امامان زیدی در نبردهایی که با امرای رسولی و سلیمانی کردند از میان رفتند و حکمرانان محلی رّسی به‌شدت از تکاپوهای سیاسی خود کاستند؛ اما کماکان، حضور مذهبی شاخه رّسی تا زمان قدرت‌گیری ناصر اطروش حسینی که نسبش به علی زین‌العابدین بن حسین بن علی می‌رسید همچنان به‌صورت ملوک محلی باقی ماندند. تا آنکه شاخه دیگری از زیدیه حسنی، به نام داعی اصغر حسن بن القاسم بن علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد البطحائی بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن السبط قدرت گرفتند و جنگ میان آنان به کشته‌شدن ناصر اطروش انجامید؛ پس زیدیه بر داعی اکبر حسن بن زید از شاخه حسینی گرد آمدند که دیگر اینان از شاخه بنی‌رّسی نبودند.

نسب او یا وراثت و میراث بری وی از پیامبر اعظم (ص) و امام علی (ع) است (المحلی، ۲۰۰۲: ۱۲/۲ و ۱۷ و ۲۳؛ ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۹۱/۲ تا ۶۰۳). در کنار فضائل علمی او اشتهارش به زهد و ورع و صدور کرامات نیز حائز اهمیت است. منابع شخصیت وی را مهربان و بی‌تکلف و قوی‌الجثه ترسیم کرده‌اند (ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۷۳/۲). در عصر یحیی‌الهادی آثار تمدنی و نهادهای اجتماعی در یمن توسعه یافت. وی پس از استقرار بر ارکان سیاسی، در کمترین زمان، ابتدا صعده و سپس صنعا را مرکز حکمرانی خود قرار داد و تا آخرین روزهای حکومت، مسجد جامع صعده محل صدور و اعلام فتاوی و احکام سیاسی او بود. مرکزیت سیاسی این شهر، با ساخت مساجد زیبا و بناهای مختلف و تاسیس ضرابخانه رونق گرفت (نویری، ۱۴۲۳: ۸۳/۹۶). در سال ۲۹۸ ق/ ۹۱۱م، نخستین دینارهای دولت زیدی در صعده، به نام الهادی ضرب شد. این دینارها ۲/۸۲ گرم وزن و ۲۱ میلی‌متر قطر داشت. برخی از انواع دینار طلا نیز گاه تا وزن ۴/۲۵ گرم گزارش شده است. بر روی سکه، در فضای داخلی آن عبارت «الهادی‌الی‌الحق‌أمیر‌المؤمنین‌بن‌رسول‌الله» حک شده است. در میانه پشت سکه نیز «لااله‌الاالله وحده‌لاشریک‌له محمدرسول‌الله» و در حاشیه خارجی سکه نیز با درج محل و سال ضرب عبارت «بسم‌الله ضرب‌هذا‌الدینار فی صعده سنه ثمان و تسعین و مأتین» حک شده است (خضیری احمد، ۱۹۹۶: ۱۷۰ و ۱۷۱). آثار کلامی و فقهی او تجلی‌گاه آرا فکری الهادی‌الی‌الحق است. اندیشه علمی او درباره درک معبود و افعال خداوند بسیار مهم و البته درخور فهم است. اعتقاد او مبنی بر اینکه آثار و افعال خداوند را مخلوقاتش شناسایی می‌کنند، به سرعت در میان پیروانش تسری یافت. در منظر هادی‌الی‌الحق، خداوند عادل‌تر از آن است که کفر و جور و ظلم را خلق کند. خداوند امر به طاعت و ترک معصیت کرده و

در تایید امامت و مشروعیت او آورده‌اند: «او به‌سوی یمن خارج نشد مگر با سه چیز: کتاب جفر، ذوالفقار و هیکل و این سه چیز برای هیچ‌کس جمع نمی‌شد مگر نزد ائمه» (ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۵۷/۲). اطلاعات و سیطره‌اش بر علم جفر، علم حروف و اعداد، بر تکاپوهای او در عرصه علم افزود. ادعای او مبنی بر دراختیارداشتن ذوالفقار علی (ع) (ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۶۱/۲ و ۵۶۲؛ المؤیدی، ۱۹۹۷: ۹/۱۰) به‌عنوان نماد مشروعیت سیاسی و مذهبی، بر تقویت موقع و جایگاه مذهبی‌اش نزد علویان زیدی یمن افزود (ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۶۱/۲ تا ۵۶۳). به‌هرصورت فهرست بلند تصنیفات وی گواهی بر تکاپوهای بسیار علمی و فقهی و مؤید دانستن‌ها و آگاهی‌های پرشمار، در زمینه فقه مذهبی و فقه سیاسی اوست. فهرستی از آثارش در کتاب «حدائق الوردیه فی مناقب ائمه‌الزیدیه» گرد آمده است (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۹/۲ و ۳۰). آثار وی مشحون از احکام و فقه، احادیث و آموزه‌های نبوی است. تعدد و تنوع رسالتی چون: منتخب فی فقه، الفنون فی فقه مهذب ملخص، المسائل، الرضاع، المزرعه، امهات‌الاولاد، العهد، الولاء، القیاس، کتاب توحید، المسترشد، الرد علی اهل‌الزیغ، الارادة و المشیئه، الرد علی‌ابن‌الحنیفه فی الکلام علی‌الجبریه، بوار القرامطه، اصول‌الدین، الامامه و اثبات‌النبوة و الوصیه، الرد علی‌الامامیه، البالغ‌المدرک فی‌الاصول شرحه‌الامام ابوطالب، المنزله بین‌المنزلتین، الدیانه، الخشیه، تفسیر خطایا الانبیاء، الرد علی‌ابن‌جریر، کتاب تفسیر و همچنین پرشماری دیگر از این آثار که در حال حاضر مفقودند (المحلی، ۲۰۰۲: ۲۹/۲ و ۳۰؛ المؤیدی، ۱۹۹۷: ۱۸/۱۰؛ ابن‌فند، ۲۰۰۲: ۵۶۵/۲) حکایت از عمق توانمندی علمی او دارند. او علاوه بر کتابت و تحریر آثار منثور فقهی و کلامی، در نظم و شعر نیز بسیار سرآمد بود. محتوای شیعی‌زیدی سروده‌های وی مبین رویکرد اعتقادی اوست. مضامین و محور این اشعار عمدتاً برگرد حقایق

ادبیات بود. انتساب کتاب «الاصول فی العدل و التوحید» و کتاب «النبویه» و کتاب «الایضاح»، مؤید تبحر و صاحب‌نظری وی در علم کلام است. پرشماری آثار او در حوزه کلام و تاریخ و اصول اعتقادات، حکایت از عمق مطالعات و تبحر او در علوم اسلامی دارد. زبانه معتقد است او تعلیمات سیاسی خود را نزد پدرش الهادی آموخت. شرکت الهادی در مقابله و منازعه با آل‌طریف در صنعا و شدت‌یافتن غائله آنان و زندانی شدن محمد، در سال ۲۹۰ و ۲۹۱ق/ ۹۰۳ و ۹۰۴م، به دست آل‌یعفر (زبانه، بی‌تا: ۲۹) و حبسش به مدت هشت‌ماه (زبانه، بی‌تا: ۳۰) مؤید مشارکت و فعالیت سیاسی وی در عصر الهادی است. ماحصل حیات علمی و آراء سیاسی و مذهبی او در رساله‌هایی چون «الایضاح»، «جواب المسائل المعلقی»، «جواب المسائل مهدی»، «کتاب النوازل»، منسوب به او، «کتاب فضائل امیرالمؤمنین علی کرم الله وجهه»، کتاب «الرد علی الروافض» و کتاب «الرد علی القرامطه اتباع علی بن فضل» منعکس شده است. براساس همین منابع، می‌توان وی را در شمار فقیهان، متکلمان، شاعران و ادیبان نامور عصرش به‌شمار آورد. در کتاب تراث الزیدیه از چهار مجلد کتاب محمدبن‌یحیی بن‌حسین نام برده شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مجموعه رسائل هشت‌گانه وی نام دارد. انتساب ۱۶ مجلد اثر علمی برجسته، به او مؤید فعالیت بسیار و نمایانگر تکاپوهای فکری و تلاش‌های علمی اوست. تفسیر قرآن او در ۷ جلد در کتابخانه‌های بریتانیا و یمن باقی مانده است (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۷۰). انصراف محمدالمرتضی از امامت و انتقال قدرت به برادرش احمد بسیار آرام صورت گرفت (القلقشندی، بی‌تا: ۷/ ۳۵۸)؛ لیکن سرآمدی الناصراحمدبن‌یحیی در علوم مختلف از چشم تیزبین مورخان به دور نمانده است (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۳). آنچه مسلم است وی در سرودن شعر، آن هم با محتوای شیعی کم‌نظیر بوده است.

هیچ‌گاه کفر را برای بندگانش اراده نمی‌کند. همو اعتقاد داشت خداوند از افعال سوء بشر بیزار است. بنابر نظر امام یحیی، علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) افضل صحابه و أحق الناس به مقام رسول خدا (ص) است. اعتقاد زیدیه به حقانیت امامت حسن بن علی ابن ابیطالب (ع) و نیز پذیرش امامت امام حسین (ع) و وجوب اطاعت از آن دو و نیز پذیرش امامت اولاد حسنین و جواز تداوم امامت، فقط در اولاد آن دو نکته امتیاز تفکرات آنان در میان سایر فرق است. همین اعتقاد به انضمام آنکه به تبع پذیرش امامت اولاد امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و هر یک از آنان که عالم به کتاب خدا و سنت پیامبر، زاهد و متقی، مجاهد فی سبیل الله و قائم به سیف باشد، نظریه امامت زیدیه را تقویت کرد. در نظر هادی الی الحق امامت به بیعت و اختیار مردم نیست، بلکه به کمالاتی است که خداوند، در اولاد حضرت فاطمه (علیها‌السلام) به وجود آورده است؛ بنابراین اگر فردی از اولاد امام حسن و امام حسین (علیهما‌السلام) قیام کرد و دارای شرایط امامت بود، بر مسلمانان واجب است که بیعت او را بپذیرند و با او پیمان ببندند و او را یاری کنند. با بررسی آراء هادی الی الحق می‌توان نگاه مثبت او را به صحابه دریافت. دومین امام رستی فرزند ارشد یحیی، محمدالمرتضی، است. شاید بتوان او را صرف‌نظر از اقدامات علمی پدرش پیش‌گام نهضت علمی زیدیان در یمن دانست؛ زیرا وی به علت دل‌مشغولی‌های فراوانی که به تدوین و تالیف مباحث علمی داشت، امور سیاسی و فرمانروایی را رها کرد (القلقشندی، بی‌تا: ۵/ ۴۶). مطابق اسناد موجود، دوره بالندگی محمد در حجاز سپری شد؛ اما این مانعی نبود تا در کنار و محضر پدرش، آموزش دینی وی تکمیل نشود. وی در سال ۲۹۹ق/ ۹۱۲م، در صعده دعوی امامت کرد و همچون پدرش از سرآمدن فقه و علم اصول دین (الزركلی، ۱۹۸۹: ۷/ ۱۳۵) و تفسیر قرآن کریم و حتی شعر و

یمن دچار فترت شد. در این دوره تنها، اطلاعات پراکنده‌ای از حکمرانی ضعیف جعفر بن قاسم المنصور گزارش شده است. خیزش دعوت اسماعیلیه در یمن و نشاط تکاپوهای دعوت‌نگران اسماعیلی و سرانجام نسج دولت صلیحی (الدیع، ۱۹۸۸: ۱۷۳؛ العرشی، ۱۹۹۴: ۳۷؛ مصطفی، ۱۹۹۳: ۵۱/۱ و ۵۲۰) زمینه چالش بزرگ زیدیان را فراهم آورد (زباره، بی تا: ۸۵/۱) و به بروز فترت سیاسی و انقطاع فرهنگ و تمدنی آنان دامن زد. قدرت‌گیری ابوهاشم الحسن بن عبدالرحمن، متوفی ۴۳۳ق/۱۰۳۳م، ملقب به نفس الزکیه ثانی (الیمانی، ۱۹۸۸: ۷۰) علی‌رغم احیای فعالیت سیاسی رّسیان (العرشی، ۱۹۹۴: ۳۶؛ زباره، بی تا: ص ۸۷) هرگز رکود و انحطاط علمی آن‌ها را دست‌کم تا خیزش دوره دوم زیدیان رّسی در یمن، به سال ۵۵۶ق/۱۱۶۱م (ابراهیم حسن، ۱۹۶۷: ۲۱۸/۲) متوقف نکرد. البته هرگز این توقف به منزله انحطاط مذهب زیدیه نبود؛ زیرا با آغاز دوره دوم، بار دیگر نشاط مذهبی زیدیان جان گرفت و دولتشان به تناوب دست‌کم تا ۱۳۸۲ق/۱۹۶۲م، به طول انجامید (باسورث، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

#### نتیجه

مطالعه درباره تاریخ آل‌رّسی، در یمن نشان داد که در فاصله سال‌های ۲۸۴ تا ۴۵۵ق/۸۹۷ تا ۱۰۶۲م که دوره نخست دولت ایشان نامیده شده است، دولتی مقتدر در صعد و صنعا پی‌افکنده شد. اساس این دولت، بر سلسله‌ای از امامان زیدی از شاخه حسنی‌الرّسی نهاده شده بود. بررسی تکاپوهای فرهنگی این ائمه نشان داد که این راهبران مذهبی به‌علت دارا بودن دانش فقهی، بیشترین همت خود را بر تدوین کتاب‌های علمی از سنخ منابع فقهی و کلامی نهادند. افتخارات سیاسی دولت رّسیان و پرتکاپویی عالمان آنان، در عرصه تولید آثار فقهی و کلامی نشان داد که آنان از تعاملات سیاسی و مذهبی

ستایش علی بن ابیطالب (ع) و بیان اصول فکری زیدیه از میزات نوشته‌ها و مکتوبات اوست. به این دانشور مهم زیدی، کتاب‌های پرشماری منسوب است که حدود ۱۴ اثر از آن‌ها امروزه شناخته شده و به زیور طبع آراسته شده است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها آثار خطی برجای مانده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: علوم القرآن، الرد علی‌الاباضیه، مسائل‌المجبره، النجاه لمن اتبع الهدی و اجتناب‌الردی (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۱: ش ۱۴/۱۸۳). از این کتاب اخیر چاپ‌های متعددی در دست است. از دیگر دانشوران زیدی رّسی، یوسف موسوم به الدعی‌الی‌الله بن یحیی متوفی ۴۰۳ق/۱۰۱۳م است. آرام‌کردن اوضاع آشفته صنعا و حومه آن بخش عمده‌ای از توان و زمان امامت او را گرفت (الیمانی، ۱۹۸۸: ۶۰). زباره از قول صاحب مسک‌الختم در باب بزرگی و کثرت علوم یوسف اطلاعات مهمی ارائه داده است (زباره، بی تا: ۷۵). مطابق نظر منابع، تالیفات او پرشمار است. چنان‌که در حدود ۱۰۰ مجلد کتاب به او نسبت داده‌اند. در زمره تالیفات اوست: الادله من القرآن علی توحیدالله و کتاب التوحید و کتاب التجرید (المؤیدی، ۱۹۹۷: ۴/۱۰). یکی از واپسین پایوران فرهنگی و کبار فضلا و علمای دولت رّسیان، امام‌المهدی‌لدین‌الله حسین بن قاسم از شاخه حسنی رّسی است، متوفی ۴۰۴ق/۴۱۶م. او از سرآمدان علم و فضیلت روزگار خود بود. نشانه‌های نبوغ او در این نهفته است که در کمی سن به مقام امامت رسید (المؤیدی، ۱۹۹۷: ۴/۱۰). وجود روایت‌های مختلف و توصیه‌های فقهی بسیار و فهرست مفصل آثار او همچون منهج‌الحکمه، تفسیر غرائب‌القرآن، مختصر الاحکام، کتاب‌الامامه، کتاب الرد علی اهل‌التقلید و النفاق، کتاب الرد علی‌الدعی، کتاب‌الرحمه، کتاب‌التوفیق و التسدید، کتاب شواهد‌الصنع، کتاب‌الدامغ، کتاب‌الرد علی‌الملحدین و کتاب نبأ‌الحکمه مؤید کمال علمی اوست. با مرگ امام‌المهدی‌لدین‌الله دولت رّسیان در

- هدفداری برخوردار بوده‌اند. مؤید این مدعا، وضعیت سیاسی و علمی رسیان طی ده الی یازده قرن پرتکاپویی، در زمینه فقه و کلام است. بررسی دولت دینی زیدیان یمن نشان داد که تاثیر پیوند علم و سیاست آن هم بر مبنای دین و عمل، در دولت رسی قریب ده قرن، به پایایی معنوی آنان کمک شایان توجهی کرده است؛ زیرا توسعه پایدار مذهب زیدیه در یمن و دیرپایی سیاسی و مذهبی متکی بر تمرکز علمی خاندان رسی، بر آموزه‌های مذهبی در شاخه فقه و کلام شیعی زیدی بوده است. وجود مزارات مهم و بقاع محترم که تا به امروز پابرجا هستند، مبین جایگاه فرهنگی این خاندان است.
- کتابنامه  
الف. کتاب‌ها
- ابراهیم حسن، حسن، (۱۹۶۷م)، تاریخ الاسلام السياسي و الديني و الثقافي و الاجتماعي، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية، الطبعة الاولى.
- ابن فند، محمد بن علی بن یونس الزحیف، (۲۰۰۲م)، مآثر الأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الاختیار یسمى اللواحق الندیة بالحدائق الوردیة، تحقیق عبدالسلام عباس الوحیة و خالد قاسم محمد المتوکل، صنعا: دارالامام زید بن علی الثقافة النشر، الطبعة الاولى.
- ابن تغری بردی، الاتابکی، جمال‌الدین ابی‌المحاسن یوسف، (۱۹۹۲)، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، القاهرة: وزارت الثقافة والارشاد القومي المؤسسه المصريه العامه للتالیف و الترجمة و الطباعة و النشر.
- ابن الجوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۹۹۲م)، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى.
- ابن حزم الاندلسی، ابومحمد علی بن احمد، (۱۹۹۸م)، جمهرة أنساب العرب، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (۱۹۸۸م)، دیوان المبتدأ و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، تحقیق خلیل شحادة، بیروت: دارالفکر، الطعه الثانية.
- ابن عثمان، موفق‌الدین، (۱۴۱۵ق)، مرشد الزوار إلی قبور الأبرار، القاهرة: الدار المصريه اللبنانیة، ج ۱.
- ابن عساکر، ابو القاسم علی بن حسن بن هبة الله شافعی دمشقی، (۱۴۱۵ق)، مدینه دمشق، بیروت: دارالفکر.
- ابن فضل الله العمري، شهاب‌الدین احمد، (۱۴۲۳ق)، مسالك الابصار فی ممالک الامصار، ابوظبی: المجمع الثقافی، ج ۱.
- ابن محمد، یحیی بن حسین بن قاسم، (بی تا)، انباء الزمن فی تاریخ الیمن، تصحیح محمد عبدالله ماضی، مكتبة الثقافة الدينية.
- ابن یونس الصدفی المصري، ابوسعید عبدالرحمن بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تاریخ ابن یونس المصري، بیروت: دارالکتب العلمیة، ج ۱.
- باسورث، ادموند کلیفورد، (۱۳۸۱)، سلسله‌های اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- البکری الاندلسی، عبدالله بن عبدالعزیز، (۱۴۰۳ق)، معجم ما استعجم من اسماء البلاد و المواضع، بیروت: عالم‌الکتب، ج ۳.
- الحسنی، احمد بن ابراهیم، (۱۴۲۲ق)، المصابیح، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی.

- الحموي، شهاب الدين ابو عبدالله ياقوت بن عبدالله، (١٩٩٥م)، معجم البلدان، بيروت: دارصادر، الطبعة الثانية.
- الحميري، محمد بن عبدالمنعم، (١٩٨٤م)، الروض المعطار في خبر الاقطار لبنان، بيروت: بي نا، ج ٢.
- خضيرى احمد، حسن، (١٩٩٦م)، قيام الدولة الزيدية في اليمن، مصر: مكتبة مدبولي.
- الديق الشيباني الزبيدي، (١٩٨٨م)، ابى الضياء عبدالرحمن بن على، قرة العيون بأخبار اليمن الميمون، حقق و علق عليه، محمد بن على الكواع، بي جا: بي نا.
- زباره الحسنى الصناعى، محمد بن محمد، (بى تا)، أئمة اليمن، بي جا: الناصرية.
- الزركلى، خيرالدين، (١٩٨٩م)، الاعلام قاموس تراجم الاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربين و المستشرقين، بيروت: دارالعلم للملايين، الطبعة الثامنة.
- السمعانى، أبوسعيد عبدالكريم بن محمد بن منصور التميمى، (١٩٦٢م)، الأنساب، تحقيق عبدالرحمن بن يحيى المعلمى اليمانى، حيدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانية، الطبعة الأولى.
- سيرة الهادى إلى الحق يحيى بن الحسين، (١٩٨١م)، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر، ج ٢.
- شهارى، ابراهيم بن قاسم بن مؤيد، (٢٠٠١م)، طبقات الزيدية الكبرى محقق وجيه، عبدالسلام بن عباس الوجيه، صنعا: مؤسسه الامام زيد بن على الثقافيه، ج ١.
- عباسى العلوى، على بن محمد بن عبيدالله، (١٩٨١م)، سيره الهادى الى الحق يحيى بن حسين، تحقيق سهيل زكار، بيروت: دارالفكر الطباعة و النشر و التوزيع.
- العرشى، قاضى حسين بن احمد، (١٩٩٤م)، بلوغ المرام فى شرح مسك الختام، به عنى انستاس مارى الكرملى، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- قلقشندى، شهاب الدين احمد بن عبداللّه بن احمد، (بى تا)، صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء، بيروت: دارالكتب العلمية.
- كحالة، عمر رضا، (بى تا)، معجم قبائل العرب القديمة و الحديثه، بيروت: مؤسسه الرسالة، الطبعة السابعة.
- المحلى، حميد الدين بن احمد بن محمد، (٢٠٠٢م)، الحدائق الوردية فى مناقب أئمة الزيدية، تحقيق المرتضى بن زيد المخطورى الحسنى، صنعا: مكتبة مركز بدر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
- المسعودى، أبو الحسن على بن الحسين بن على، (١٤٠٩م)، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقيق اسعد داغر، قم: دار الهجرة، ج ٢.
- مصطفى، شاکر، (١٩٩٣م)، موسوعه دول العالم الاسلامى و رجالها، بيروت: دارالعلم للملايين، الطبعة الاولى.
- المطاع، احمد بن محمد، (١٩٨٦م)، تاريخ اليمن الاسلامى، تحقيق عبد محمد الحبشى، بيروت: (بى نا).
- المقرئى، تقى الدين، (١٤١٩ق)، رسائل، قاهره: دار الحديث، ج ١.
- نوبرى، شهاب الدين، (١٤٢٣ق)، نهاية الأرب فى فنون الأدب، قاهره: دارالكتب و الوثائق القومية، ج ١.
- المؤيدى، مجد الدين محمد بن منصور، (١٩٩٧م)، التحف شرح الزلف، صنعا: مكتبة مركز بدر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
- اليمانى، تاج الدين عبدالباقي بن عبدالمجيد، (١٩٨٨م)، بهجه المن فى تاريخ اليمن، تحقيق عبدالله بن محمد الحبشى و محمد احمد السنبانى، صنعا: دارالحكمه اليمانيه.

ب. مقالات

- موسوی نژاد، سیدعلی، (۱۳۸۱)، «معرفی آثار منتشر شده زیدیه»، هفت آسمان، ش ۱۴، ۱۶۱ تا ۱۹۸.
- موسوی نژاد، سیدعلی، (۱۳۸۱)، «کتاب‌های حدیثی منتشر شده از زیدیه»، علوم قرآن و حدیث، سال ششم، ش ۲۵، ص ۱۵۶ تا ۱۸۶.